



Discourse Analysis of *Ta'zir* Punishments in the Iranian Penal System

Dr. Hamidreza DaneshNari  (Corresponding Author), Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email: Daneshnari@um.ac.ir

MohammadSadeq Mohammadi Ghahfarrokhi, Master's Graduate in Islamic Studies and Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University (A.S.), Tehran, Iran

Abstract

Following the Islamic Revolution and the emphasis on the Islamization of laws, *Ta'zir* punishments were officially recognized for the first time in the Islamic Penal Code. The introduction and expansion of *Ta'zir* punishments within Iran's criminal law system has raised important questions regarding their interpretation and developments. Therefore, identifying the influential discourses in the formation of *Ta'zir* punishments and the factors contributing to their hegemony (dominance) are key issues in the philosophical understanding of these punishments. The primary objective of this study is to clarify the role and impact of current discourses on the transformations occurring in the field of *Ta'zir* punishments, employing the discourse analysis method. Findings reveal that three discourses have influenced the transformations of *Ta'zir* punishments: 1) governmental jurisprudence 2) traditional jurisprudence and 3) penal modernism. In the early stages of the formation of *Ta'zir* punishments, the governmental and traditional approaches were opposing discourses. During this period, the dominance of governmental jurisprudence over traditional jurisprudence led to the recognition of the paradigms advocated by supporters of governmental jurisprudence, such as the determination of *Ta'zir* by the ruling authority, the specification of *Ta'zir*, and their diversity as fundamental principles of *Ta'zir* punishments. However, the findings of empirical research in criminology and penology, on the one hand, and the flexibility of *Ta'zir* punishments under the principle "*al-ta'ziru bimā yarahū al-hākīm*" (*Ta'zir* is at the discretion of the ruler) on the other hand have contributed to making the discourse of penal modernism also a dominant discourse in the realm of *Ta'zir* punishments.

Keywords: *Ta'zir* punishment, governmental jurisprudence, traditional jurisprudence, penal modernism, discourse analysis.





تحلیل گفتمان مجازات‌های تعزیری در نظام کیفری ایران

دکتر حمیدرضا دانش‌ناری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: Daneshnari@um.ac.ir

محمدصادق محمدی قهفرخی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید بر شرعی‌سازی قوانین، مجازات‌های تعزیری برای نخستین بار در قانون راجع به مجازات اسلامی به رسمیت شناخته شد. ظهور مجازات تعزیری در سپهر حقوق جنایی ایران و رشد آن در فرایند کیفرگذاری، پرسش‌هایی را در خصوص فهم و تحولات آن ایجاد کرده است. براین اساس، شناسایی گفتمان‌های اثرگذار در شکل‌گیری مجازات‌های تعزیری و عوامل مؤثر بر هژمونی آن‌ها از مسائل مهم در باب ادراک فلسفی مجازات‌های تعزیری است؛ ازاین‌رو، هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های حاضر در تحولات شکل‌گرفته در پهنه تعزیرات با استفاده از روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که سه گفتمان «فقه حکومتی»، «فقه سنتی» و «مدرنیسم کیفری» در متن تحولات مجازات‌های تعزیری اثرگذار بوده‌اند. در آغاز شکل‌گیری مجازات‌های تعزیری، رویکردهای فقه حکومتی و فقه سنتی، گفتمان‌های معارض بودند. در این دوره، غلبه فقه حکومتی بر فقه سنتی موجب شد تا پارادایم‌های مدنظر حامیان فقه حکومتی همچون تعیین تعزیر توسط حاکمیت، معین بودن تعزیر و متنوع بودن آن‌ها به‌عنوان اصول اساسی مجازات‌های تعزیری به رسمیت شناخته شوند. بالاین حال، یافته‌های حاصل از مطالعات تجربی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، از یک سو و انعطاف‌پذیری مجازات‌های تعزیری از باب «التعزیر بما یراه الحاکم» ازسوی دیگر، موجب شده است تا گفتمان مدرنیسم کیفری نیز به‌عنوان یک گفتمان غالب در مجازات‌های تعزیری دارای اثر باشد.

واژگان کلیدی: مجازات تعزیری، فقه حکومتی، فقه سنتی، مدرنیسم کیفری، تحلیل گفتمان.

مقدمه

ازجمله نخستین آثار پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحول در نظام قانونگذاری و تلاش برای اسلامی‌سازی قوانین کشور بود؛ زیرا ایده مهم در ابتدای انقلاب، اسلامی‌سازی جامعه از گذر تحول در نظام تقنینی بود. به همین دلیل، با پیروزی انقلاب قوانین شرعی در نظام حقوقی ایران بازتاب یافت. در این دوره، جمهوری اسلامی نظام حقوقی جدیدی را با تأکید بر اندیشه‌های شرعی ایجاد کرد. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موجب شد تا اسلامی‌سازی قوانین در ساختار حقوقی ایران به صورت رسمی آغاز شود. براین اساس، اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی ضمن تأسیس نهاد شورای نگهبان، پاسداری از احکام اسلام را در فرایند قانونگذاری مدّ نظر قرار داده است. در بستر تحولات تقنینی و تمرکز بر شرعی‌سازی قوانین، یکی از اولین جلوه‌های قانونگذاری اسلامی در ساختار کیفری جمهوری اسلامی ایران، تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی بود که در آن تعزیر به عنوان یکی از مجازات‌های اصلی به رسمیت شناخته شد. براساس ماده ۱۱ قانون اشاره شده، تعزیرات، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی کمتر از مقدار حد باشد.

با وجود آنکه تعزیر در فقه مفهوم پردازی شده است^۱ اما فرایند تدوین تعزیر در نظام کیفری ایران موجب شد تا دو گروه حامیان «فقه حکومتی» و طرفداران «فقه سنتی» در مقابل هم قرار گیرند. فقه حکومتی که ناظر بر تمامی ابواب فقه است، با روش استنباط و اجرای احکام سروکار دارد. در واقع، فقه حکومتی، فقه مدیریت و اداره تمام شئون فرد و جامعه است که برحسب مصلحت تحولات زندگی جامعه انسانی وضع می‌شود و به اجرا در می‌آید.^۲ در نتیجه، باید «فقه حکومتی را دانش استنباط احکام مربوط به اداره و سرپرستی جامعه از طریق نظام‌های اجتماعی دانست. همان گونه که فقه سنتی، متکفل بیان احکام و

۱. ظهور تعزیر در نظام کیفری ایران، بازتابی است از: به رسمیت شناختن نگرش‌های فقهی در قانونگذاری جنایی. اهل لغت برای کلمه تعزیر سه معنای «نصرت و یاری»، «تأدیب» و «ضرب و زدن» را در نظر گرفته‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۳۳۳). تعزیر اصطلاحی مرسوم از مفهوم تعزیر تعریفی است که در برابر مفهوم «حد» ارائه می‌شود. در این تعریف، حد مجازاتی است که میزان آن مقدر و معین است. در نقطه مقابل، مجازاتی که مقدر و معین نیست تعزیر نامیده می‌شود (ابن ادریس، السرائر، ۵۳۵). باین حال، این تعریف خالی از اشکال نیست؛ زیرا بعضی از تعزیرات، مقدر هستند. عده‌ای بر این نظر هستند که تعزیر ابن ادریس اشعار بر این دارد که غالب تعزیرات غیرمقدر هستند (تبریزی، اسس الحدود و التعزیرات، ۷). عده‌ای دیگر، تعزیر را مجازاتی می‌دانند که برای تأدیب کسی که مجازات او کمتر از حد است، به کار می‌رود (ابن اثیر، النهاية، ۲۲۸/۴). تفاوت دیگر تعزیر و حد آن است که اقامه حدود تابع مفسده است، ولی طبق قاعده «التعزیر لکل عمل حرام»، تعزیرات برای هر عمل حرامی اقامه می‌شود، ولو آن عمل حرام کوچک باشد که از آن جمله می‌توان به تعزیر مجائین و کودکان اشاره کرد (شهید اول، القواعد و الفوائد، ۱۴۴/۲). مجازات‌های تعزیری به دو شکل مهم تقسیم می‌شوند: قسم اول، تعزیرات شرعی و بخشی از حق الله به شمار می‌آیند؛ قسم دوم، اموری هستند که تعزیر شرعی به شمار نمی‌روند و جزء «احکام سلطانی و بازدارنده» قرار می‌گیرند که در این شکل از تعزیر، حاکم مسلمانان به تعیین تعزیر قیام می‌کند (موسوی بجنوردی، قواعد فقهیه، ۱۴۳/۱).

۲. خراسانی، اجتهاد و سیاست: درآمدی بر فقه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران، ۸۰.

تکالیف افراد است و رسالت دینی شدن افعال و رفتار آحاد جامعه را برعهده دارد، فقه حکومتی هم متکفل استنباط احکام برنامه‌های حکومتی است و مسئولیت اسلامی سازی قوانین و سیاست‌های اجتماعی را برعهده دارد.^۳ در این بستر، فقه حکومتی نگاهی است که بر تمام ابواب فقه -از طهارت تا دیات و مسائل مستحدثه- توجه دارد و با توسعه حقوق از حوزه خصوصی به عرصه اجتماع، قلمرو شریعت را توسعه می‌دهد.^۴ در رأس گروه حامیان فقه حکومتی، نظریه پردازان جریان انقلاب؛ مانند آقایان منتظری، بهشتی، هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی و یزدی و در رأس قائلان به فقه سنتی، آقایان گلپایگانی و صافی گلپایگانی حضور داشتند.^۵ باتوجه به قرائت‌های خاص در رویکردهای دوگانه، گفتمان فقه سنتی، جرایم مستوجب تعزیر را فقط در قالب جرایم مطرح شده در کتب فقهی محدود می‌کند، ولی گفتمان فقه حکومتی با تمرکز بر مسائل حاکمیتی و باتوجه به شرایط روز جامعه و مقتضیات اداره کشور، قائل به وسعت جرم‌انگاری و کیفرگذاری در قلمرو تعزیر بود.^۶

باتوجه به آنکه تعزیرات، گسترده‌ترین و متنوع‌ترین مجازات‌ها در نظام کیفری ایران به شمار می‌روند، شناسایی گفتمان‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها از موضوعات مهم و اساسی است. هم‌زمان، ارزیابی گفتمان‌های معارض در این حوزه سبب ادراک فلسفی-جامعه‌شناختی از مفهوم تعزیر و تحولات آن می‌شود. افزون بر آن، بررسی تحولات اخیر در قلمرو مجازات‌های تعزیری و تأسیس نهادهای جدید؛ همچون معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، جایگزین‌های حبس، میانجی‌گری و...، هم‌گرایی میان مجازات‌های تعزیری و مدرنیسم کیفری را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، فاصله‌گیری از رویکردهای فقه سنتی و فقه حکومتی و توجه به یافته‌های تجربی جرم‌شناسی و کیفرشناسی در فرایند قانونگذاری در باب تعزیرات، از مهم‌ترین مسائلی است که در باب تعزیرات باید بررسی شود. بنابراین هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های مؤثر در تحولات مجازات‌های تعزیری در نظام کیفری ایران است. پرسش‌های اصلی نوشتار عبارت‌اند از: گفتمان‌های غالب در باب تعزیرات در نظام کیفری ایران کدام‌اند؟ سهم هریک از گفتمان‌ها در شکل‌گیری مجازات‌های تعزیری به چه میزان است؟ درنهایت، عناصر کدام

۳. عبداللهی، «ضرورت گفتمان فقه حکومتی»، ۱۴۱.

۴. خراسانی، «روش‌شناختی فقه سیاسی و فقه حکومتی»، ۱۴۴.

۵. محمدی قهفرخی، تحلیل گفتمان کیفر پس از انقلاب مشروطه، ۱۲۴.

۶. امام خمینی در جواب استفتای آیت‌الله موسوی اردبیلی، رئیس وقت شورای عالی قضایی به مجازات متخلفان به امور حاکمیتی چنین حکم دادند که در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازات‌های منصوصه اکتفا شود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد؛ مثل احتکار و گران‌فروشی. در احکام سلطانی که خارج است از تعزیرات شرعیه، متخلفان را به مجازات‌های بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند (مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۴۷).

یک از گفتمان‌ها، اصول اساسی تعزیرات را شکل داده‌اند؟

پس از تبیین روش‌شناسی پژوهش در پرتو روش عملیاتی تحلیل گفتمان، مجازات‌های تعزیری در ایران، بررسی و مهم‌ترین گفتمان‌های معارض، ارزیابی و درنهایت، نتیجه ارائه می‌شود.

۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)^۷

تحلیل گفتمان، از جمله روش‌های کیفی است که در اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی در رشته‌هایی از این دست ظهور یافته است: انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی.^۸ به‌باور فرکلاف، «تحلیل گفتمان»، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط عوامل درون‌زبانی (زمینه متن)، واحدهای زبانی، محیط بلافصل زبانی مربوطه و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون زبانی (زمینه اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی) بررسی می‌کند.^۹ لذا گفتمان، هر نوع گفتار و نوشتاری است که در بستر اجتماعی شکل می‌گیرد.^{۱۰} با توجه به آنکه، شیوه‌های سخن‌گفتن درباره جهان، هویت‌ها و روابط اجتماعی، واقعیت را به صورت خنثی بازتاب نمی‌دهد، می‌توان گفت که اساس تحلیل گفتمان، کشف معنا و روش تحلیل گفتمان، دستیابی به معانی مختلف گفتمانی است.^{۱۱} از این رو، روش تحلیل گفتمان نسبت به سایر روش‌های تحلیل متون از عمق بیشتری برخوردار است.^{۱۲} در این بستر، تحلیل گفتمان تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه افراد از ابزار زبان برای برساختن دیدگاه‌های خود درباره پدیده‌های مختلف بهره می‌گیرند. از این رو، زبان در همه سطوح اجتماعی در پی ایجاد نظم و تغییر است و با قدرت فراوان، قادر به معناسازی و دنیاسازی و فعالیت‌سازی است. به عبارت دیگر، متون، سرشار از اظهارات فراواقع است که حقیقت در پس آن‌ها نهفته است و به همین دلیل، متن، گفتمانی است که بازتاب نظام‌های رفتاری و اجتماعی و تاریخی است.

روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)، روشی جدید برای تحلیل گفتمان است که مبتنی بر فرایندسازی معناست که بر ارتباط و تحولات ارتباطی متن و تفسیر آن استوار است. این روش که از همه روش‌های

۸. گودرزی، «تحلیل گفتمان انتقادی»، ۷۷.

۹. فرکلاف، تحلیل انتقادی گفتمان، ۸.

۱۰. گل‌بخشی، تحلیل گفتمان اخبار سایت‌های بی‌بی‌سی و رادیو فردا درباره بازداشت ملوانان انگلیسی، ۱۲.

۱۱. بشیر، «فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش پدام با مطالعه موردی بیداری اسلامی»، ۳۳.

۱۲. بشیر و همکاران، تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، ۲۲۱.

تحلیل گفتمانی مانند فوکو، فرکلاف و لاکلو و موفه سود می‌جوید، هدف اصلی خود را عملیاتی کردن تحلیل گفتمان و ارائه روشی کاربردی مبتنی بر ساخت معنا و رسیدن به نقشه معنایی بر پایه کشف دال‌های اساسی می‌داند.^{۱۳} تحلیل داده‌ها در روش پدام، همانند روش نورمن فرکلاف در سه مرحله صورت می‌گیرد: توصیف، تفسیر و تبیین.

در مرحله توصیف، متن به‌عنوان یکی از بخش‌های اصلی تحلیل مدنظر قرار می‌گیرد. در این مرحله، تحلیلگر با انتخاب جملات همسو در متن، رابطه میان معانی مشترک آن‌ها و سایر جملات را کشف می‌کند.^{۱۴} مرحله توصیف در روش تحلیل گفتمان عملیاتی در یک جدول با سه ستون که هر ستون در بردارنده یک سطح از مرحله توصیف است، تدوین می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، مرحله توصیف شامل سه سطح تحلیل است: «سطح-سطح»، «عمق-سطح» و «سطح-عمق».^{۱۵} در ستون اول؛ ستون «سطح-سطح»، متنی همسو برای تحلیل انتخاب می‌شود. در ستون دوم؛ ستون «عمق-سطح»، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌ها و مفاهیم متن که فراتر از معانی تحت‌اللفظی متون هستند، استخراج می‌شوند. در ستون سوم؛ ستون «سطح-عمق»، معانی ممکن و ساختارهای کلان‌متن‌گزی‌نشی با توجه به سایر متون موجود در متن کشف می‌شوند.^{۱۶} در مرحله «تفسیر»، بینامتنیت^{۱۷} ذهنی تحلیلگر و همچنین بینامتنیت‌های مرتبط با توجه به معانی ضمنی به‌دست‌آمده تحلیل می‌شود و براساس آن، دال‌های اساسی گفتمان کشف می‌شود.^{۱۸} در این مرحله، پس از کشف عناصر یک گفتمان، میان عناصر پراکنده گفتمان رابطه‌ای برقرار می‌شود که در پی آن، هویت و عناصر یادشده اصلاح می‌شود و وحدتی از دو عنصر متفاوت ایجاد می‌شود.^{۱۹} در مرحله «تبیین»، تحلیلگر با استفاده از متن، زمینه، بینامتنیت‌های پدیدآورنده و فرامتن‌های اصلی را شناسایی می‌کند.^{۲۰} مثال کاربردی برای مراحل روش پدام، در قالب تحلیل گفتمان مجازات‌های تعزیری در نظام کیفری ایران ارائه می‌شود.^{۲۱}

۱۳. بشیر، «فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش پدام با مطالعه موردی بیداری اسلامی»، ۳۹.

۱۴. بشیر، رسانه‌های بیگانه: قرآنی با تحلیل گفتمان، ۱۲/۱.

۱۵. بشیر، رسانه‌های بیگانه: قرآنی با تحلیل گفتمان، ۱۰/۳.

۱۶. بشیر، حاتمی، «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم»، ۱۰۰.

۱۷. بینامتنیت که «متن پنهان» هم نامیده می‌شود، به معنای رابطه تفسیری، نشانه‌شناختی و معناشناختی هر متنی ناظر به متون پیشینی و زمانی که در آن بازه، مطالعات متنی صورت می‌گیرد، است (پاکتچی، نقد متن، ۱۰۰).

۱۸. بشیر، عرفان‌پور، «تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی»، ۷.

۱۹. هوارث، «نظریه گفتمان»، ۱۶۳؛ بارکر، مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد، ۷۴۳.

۲۰. بشیر، رسانه‌های بیگانه: قرآنی با تحلیل گفتمان، ۶۵/۱.

۲۱. نک: بشیر، حسن، روش عملیاتی تحلیل گفتمان؛ بشیر، احسانی‌فر، «تحلیل گفتمان مناظره تلویزیونی در انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران».

۲. مؤلفه‌های گفتمانی تعزیر

باتوجه به آنکه از روش پدام برای تحلیل گفتمان مجازات‌های تعزیری استفاده می‌شود، مؤلفه‌های گفتمانی در سه قالب بررسی می‌شوند: توصیف، تفسیر و تبیین.

۱.۲. توصیف مجازات‌های تعزیری

در این مرحله از تحلیل، جدول سطوح سه‌گانه تحلیل و برداشت از متون منتخب، به انتخاب تحلیلگر ارائه می‌شود. از آنجاکه ازسویی، «تحلیل گفتمان» روشی کیفی است که در آن نمونه‌گیری متن به صورت هدفمند صورت می‌گیرد و ازسوی دیگر، در روش پدام نیز به انتخاب متن توسط تحلیلگر تأکید شده است، انتخاب متون قوانین در قلمرو مجازات‌های تعزیری، به صورت هدفمند صورت گرفته است. قوانین منتخب در این جدول، شامل «قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱»، «قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲»، «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰»، «قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵»، «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» و سایر قوانین مرتبط است.

جدول مرحله توصیف		
(سطح_عمق)	(عمق_سطح)	(سطح_سطح)
- نظام مجازات‌های نامعین در فقه - التعزیر بمایراه الحاکم - محدود نبودن تعزیرات به مجازات شلاق	- نامعین بودن مقدار تعزیر در شرع - واگذار کردن تعیین مقدار تعزیر به نظر حاکم - التعزیر دون الحد - تعزیرات حصری شامل شلاق، حبس و جزای نقدی	«تعزیرات، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» (ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)
- تأثیر آموزه‌های حقوق عرفی در تدوین مجازات‌های تعزیری - حالت خطرناک - تجری - محدود نبودن تعزیرات به شلاق	- به رسمیت شناختن «شروع به جرم» برای ارتکاب تمام جرایم در «قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱» - جواز دادگاه برای تأدیب - «تأدیب» به مثابه تعزیر	«هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید ولی به واسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آن مداخلت نداشته قصدش معلق بماند و جرم منظور واقع نشود، چنانچه عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده جرم باشد، محکوم به مجازات همان جرم می‌شود و آلا تأدیب خواهد شد.»

		تبصره: مراد از تأدیب، مجازاتی است از نوع تعزیری که دادگاه باتوجه به احوال مجرم متناسب بداند. (ماده ۱۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)
- اردوگاه‌های کار - صرفه‌جویی در هزینه‌ها - درآمدزایی - بازسازی اجتماعی	- امکان اشتغال به کار زندانیان - جرایم عادی در مؤسسات صنعتی و کشاورزی منوط به درخواست آنان و جواز دادگاه.	« اشتغال به کار زندانیان به درخواست آنان و با اجازه دادگاه صادرکننده حکم محکومیت بلااشکال است. در مورد مرتکبین جرائم عادی ممکن است با رعایت شرایط ذیل، محبوسین در بدو ورود به زندان به کار در مؤسسات صنعتی و کشاورزی گمارده شوند. » (ماده ۳۷ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)
- نسل اول جایگزین‌های حبس - حبس‌زدایی - شکست کارکرد اصلاحی زندان/فرهنگ زندان‌پذیری	- امکان اعطای «آزادی مشروط» به زندانیان حبس تعزیری با رعایت شرایط مقرر قانونی	«هرکس برای مرتبه اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس تعزیری محکوم شود و نصف مجازات آن را گذرانده باشد، ممکن است به حکم دادگاه صادرکننده دادنامه قطعی محکومیت در صورت وجود شرایط زیر از آزادی مشروط استفاده نماید: ۱. هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمراً حسن اخلاق نشان داده باشد. ۲. هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد. ۳. هرگاه تا آنجا که می‌توان از او انتظار داشت ضرروزیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده پرداخته باشد یا قرار پرداخت آن را بدهد و همچنین است در مواردی که محکوم به پرداخت غرامت به دولت باشد.» (ماده ۳۹ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)
- حقوق بشری‌سازی تعزیرات	- محاسبه مدت محکومیت زندانی	- هر محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر

- حقوق زندانیان - مراقبت ایمن از زندانیان	مبتلا به جنون در ایام بستری‌شدن در بیمارستان	بوده و قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود، با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید محکوم‌علیه، دیوانه به بیمارستان روانی منتقل و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد.» (ماده ۴۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱)
- نامعین‌بودن میزان مجازات‌های تعزیری - مخیربودن قاضی در تعیین میزان مجازات تعزیری	- تعیین مجازات تعزیری تا ۷۴ ضربه شلاق به‌عنوان مجازات تعزیری برای جاعل اسناد غیررسمی.	«هرکس به یکی از طرق مذکور در اسناد یا نوشته‌جات غیررسمی، جعل یا تزویر کند یا با علم به تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه‌بر جبران خسارات وارده تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.» (ماده ۲۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)
- معین‌بودن میزان مجازات‌های تعزیری - نظام مجازات‌های ثابت	- تعیین دقیق ۷۴ ضربه شلاق تعزیری برای زندانی فراری از زندان	«محبوس کسی که از محبس فرار نموده، برای همین اقدام، محکوم به ۷۴ ضربه شلاق می‌شود و اگر برای فرار در محبس را شکسته یا محبس را خراب کرده یا اعمال قوه نموده، ضعیف مجازات مزبور درباره او مجری خواهد شد.» (ماده ۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)
- نامعین‌بودن میزان مجازات‌های تعزیری - مخیربودن قاضی در تعیین میزان مجازات تعزیری	- تعیین مجازات سه ماه تا یک سال حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری به انتخاب قاضی دادگاه برای جرایم صاحب‌منصبانی که به زور و جبر مال کسی را بخرند.	«هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی که به مناسبت وظیفه و شغل خود به جبر و قهر مال منقول کسی را بخرند یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به کس دیگر کند، به سه ماه تا یک سال حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق در ملاعام محکوم می‌گردد و باید آنچه را گرفته عیناً و اگر عین آن نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند.» (ماده ۶۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)
- نامعین‌بودن میزان	- تعیین مجازات انفصال از خدمت	«هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که

مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط و یا استراق سمع نماید یا اینکه بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشا کند، محکوم به انفصال از شغل خود و شلاق تا ۷۴ ضربه یا حبس از شش ماه تا سه سال خواهد بود.» (ماده ۶۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)	و تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری برای جرایم مأمورینی که بدون اجازه مراسلات و مکالمات تلفنی را شنود می‌کنند.	مجازات‌های تعزیری
«توهین به افراد، از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه موجب مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق خواهد بود.» (ماده ۸۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)	- تعیین مجازات تا ۳۰ ضربه شلاق تعزیری برای جرم توهین و فحاشی به افراد	- نامعین بودن میزان مجازات‌های تعزیری - شلاق به‌مثابه تنها مجازات تعزیری
«هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت خارجی یا داخلی مملکت یا بر ضد اساس حکومت جمهوری اسلامی یا بر ضد اعراض و نفوس یا اموال مردم مرتکب شوند یا تبانی برای تهیه وسایل ارتکاب آن نمایند، ارتکاب اعمال فوق اگر در حد صدق عنوان محاربه و افساد نباشد، به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» (ماده ۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲)	- تعیین مجازات شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری برای جرم تبانی و اجتماع بر ضد امنیت خارجی یا داخلی مملکت	- نامعین بودن میزان مجازات‌های تعزیری - جمع میان حبس و شلاق، به‌عنوان تعزیر
«مجازات تعزیری تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان و فروشندگان و استفاده‌کنندگان البسه و نشان‌های مذکور در ماده ۱ به شرح زیر خواهد بود: ۱. تذکر و ارشاد؛ ۲. توبیخ و سرزنش؛ ۳. تهدید؛ ۴. تعطیل محل کسب به مدت سه ماه تا شش ماه در مورد فروشنده و	- تعیین یکی از مجموعه مجازات‌های تعطیل محل کسب، جریمه نقدی، لغو پروانه کسب و شلاق تعزیری به‌همراه تذکر، توبیخ و تهدید به انتخاب قاضی دادگاه برای جرایم تولیدکنندگان،	- نامعین بودن میزان مجازات‌های تعزیری - تناسب جرم و مجازات - درجه‌بندی جرایم و مجازات‌ها

	فروشنندگان و واردکنندگان البسه.	جریمه نقدی از ۵۰۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال در مورد واردکننده و تولیدکننده و از ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده‌کننده؛ ۵. لغو پروانه کسب در مورد فروشنده و ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده‌کننده. دادگاه باتوجه‌به شرایط و حالات مجرم، دفعات و زمان و مکان وقوع جرم و دیگر مقتضیات، مجرم را به یکی از مجازات‌های مذکور محکوم می‌نماید.» (ماده ۲. قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آن‌ها در ملاعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند مصوب ۱۳۶۵).
- محدود نبودن مجازات تعزیری به مجازات شلاق - اعدام به‌مثابه مجازات تعزیری	- تعیین مجازات «مصادره اموال» برای جرم تولید، توزیع و فروش مواد مخدر بیش از پنج کیلوگرم	«هرکس بنگ و چرس و تریاک و شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید یا توزیع و یا خرید و فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و باتوجه‌به مقدار مواد مذکور، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: ۴. بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم.» (قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷)
- تنوع مجازات‌های تعزیری	- مجازاتی که در قبال تخلف از مقررات حکومتی و نظم عمومی جامعه وضع می‌شود و شامل	«مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به‌منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و

نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و لغو پروانه و... می‌شود، «تعزیر بازدارنده» نامیده می‌شود.	نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.» (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)	
- حقوق مجرمان در فرایند دادرسی - تشویق مجرم به همکاری با نظام عدالت کیفری - التعزیر بما یراه الحاکم - انعطاف پذیری در مجازات‌های تعزیری - تعیین کیفر براساس آموزه‌های جرم‌شناسی	- تعیین جهات تخفیف و تبدیل مجازات متناسب با وضع عمومی متهم، منوط به وجود شرایط مقرر قانونی در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده	«دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارت‌اند از: ۱. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛ ۲. اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد؛ ۳. اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت‌تأثیر آن‌ها مرتکب جرم شده است، از قبیل: رفتار و گفتار تحریک‌آمیز معنی‌علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم؛ ۴. اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد؛ ۵. وضع خاص متهم و یا سابقه او؛ ۶. اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.» (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)
- نسل اول جایگزین‌های حبس - حبس‌زدایی - رویکرد اقتصادی به مجازات حبس	- امکان تعلیق تمام یا قسمتی از مجازات‌ها از دو تا پنج سال منوط به وجود شرایط مقرر قانونی	«در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر، از دو سال تا پنج سال معلق نماید: الف. محکوم‌علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های زیر نداشته باشد. ۱.

		محکومیت قطعی به حد؛ ۲. محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو؛ ۳. محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی؛ ۴. محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال؛ ۵. سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرم های عمدی با هر میزان مجازات. ب. دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.» (ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰)
«هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد.» (ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)	- تعیین مجازات حبس تعزیری یک تا پنج سال برای جرم تحریک مردم به قصد جنگ و کشتار	- حبس به مثابه تعزیر
«هرکس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبى باشد، اعدام می شود و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)	- تعیین مجازات حبس تعزیری از یک تا پنج سال برای توهین کمتر از سب النبى به مقدسات و معصومان (ع)	- حبس به مثابه تعزیر - هم گرایی حد و تعزیر
«برای سایر تصدیق نامه های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آنکه خسارتی بر خزانه دولت وارد آورده، مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده، به شلاق تا ۷۴ ضربه یا به	- تعیین مجازات جزای نقدی و یا تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری به انتخاب قاضی دادگاه برای جعل تصدیق نامه هایی که موجب ضرر به شخص	- نامعین بودن میزان مجازات های تعزیری - مخیر بودن قاضی در تعیین میزان مجازات تعزیری

	ثالث و یا ضرر به خزانه دولت می شوند.	دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» (ماده ۵۴۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)
- تعیین نوع و میزان مجازات های تعزیری توسط دستگاه قانونگذاری کشور	- تعزیر، مجازاتی است که در موارد ارتکاب محرمات شرعی و یا نقض مقررات حکومتی بنا رعایت حال و وضع عمومی مجرم طبق شرایط مقرر قانونی تعیین می شود.	«تعزیر، مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد: الف. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛ ب. شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان بار آن؛ پ. اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛ ت. سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.» (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)
- به رسمیت شناختن احکام سلطانیه در کنار احکام شرعی در تدوین مجازات های تعزیری - اصل ثابت/لا یتغیرو تعزیرات منصوص - عدم اعمال نهادهای تخفیف آمیز در قلمرو تعزیرات منصوص	- تمییز میان تعزیرات منصوص/تعزیرات شرعی و غیرمنصوص/تعزیرات حکومتی	«اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود.» (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)
- نسل دوم جایگزین های	- وجود مجازات های جایگزین	«مجازات های جایگزین حبس عبارت از: دوره

دانش‌ناری، محمدی قهفرخی؛ تحلیل گفتمان مجازات‌های تعزیری در نظام کیفری ایران/۱۰۳

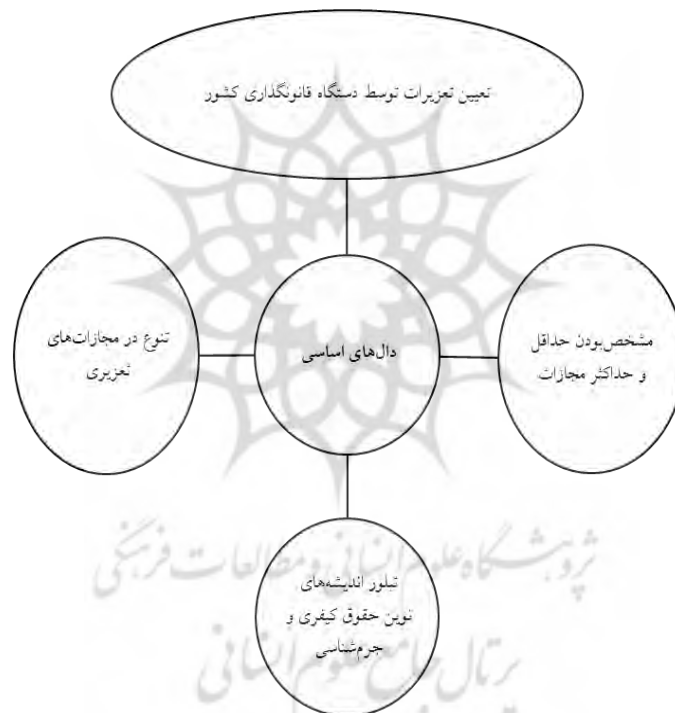
حسب در صورت وجود جهات تخفیف و شرایط مقررۀ قانونی در قلمرو تعزیرات حسب - شکست کارکرد اصلاحی زندان - جرم‌شناسی بالینی - اصلاح و بازپروری بزهکار	مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظۀ نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود.» (مادۀ ۶۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)
- امکان تعویق صدور حکم در صورت احراز شرایط مقررۀ قانونی در قلمرو تعزیرات - پیشگیری از برچسب مجرمانه - تساهل و تسامح در جرایم خرد - اصلاح و درمان بزهکار	«در جرایم موجب تعزیر درجۀ شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظۀ وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف. وجود جهات تخفیف؛ ب. پیش بینی اصلاح مرتکب؛ پ. جبران ضرروزیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ت. فقدان سابقۀ کیفری مؤثر.» (مادۀ ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)

۲.۲. تفسیر مجازات‌های تعزیری

در مرحله تفسیر، براساس سطوح تحلیل و برداشت‌های صورت گرفته از متن -در مرحله توصیف- دال‌های اساسی گفتمان به دست می‌آیند و ارتباط میان عناصر مختلف گفتمان با یکدیگر ارزیابی می‌شوند. براین اساس، در مرحله تفسیر، محورهای اساسی گفتمان، معناهای به دست آمده از ستون‌های سه‌گانه در مرحله توصیف هستند که با گفتمان مدنظر در خارج از متن ارتباط دارند.^{۲۲} براین اساس، دال‌های اساسی مؤلفه‌های گفتمانی مجازات‌های تعزیری که از تحلیل سه سطح اول در مرحله توصیف و در پرتو تحلیل

۲۲. بشیر، «فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش پدام با مطالعه موردی بیداری اسلامی»، ۴۵.

بینامتنیت ذهنی تحلیلگر و بینامتنیت‌های مرتبط با معناهای ضمنی به دست آمده‌اند، عبارت‌اند از: تعیین تعزیرات توسط دستگاه قانونگذاری کشور، تنوع در مجازات‌های تعزیری/محدود نبودن تعزیرات به شلاق، مشخص بودن حداقل و حداکثر مجازات‌های تعزیری و تبلور اندیشه‌های نوین حقوق کیفری و جرم‌شناسی در قلمرو تعزیرات.



محورهای اساسی گفتمان	دالّ اساسی
منظور از امام در قاعده «التعزیر الی الامام»، حاکم جامعه اسلامی است.	تعیین تعزیرات توسط دستگاه قانونگذاری کشور
حاکم اسلامی به علت تشخیص مصلحت نظام و جلوگیری از صدور احکام بی‌رویه و متفاوت، صلاحیت تعیین مجازات‌ها را دارد.	
میزان مجازات‌های تعزیری توسط قضات تعیین می‌شود.	مشخص بودن حداقل و حداکثر مجازات تعزیری
قاضی مخیر است در تعیین مجازات‌های تعزیری از میان حداقل و حداکثر براساس تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی عمل کند.	
هدف از تعزیر، تنها بازداشتن افراد از ارتکاب جرایم است و این هدف با هر مجازاتی که متفاوت از حدود باشد، تأمین می‌شود.	محدود نبودن تعزیرات به مجازات شلاق
تعزیر محدود به «ضرب» نیست.	
آموزه‌های نوین حقوق کیفری مانند نهادهای ارفاقی در قلمرو تعزیرات به رسمیت شناخته می‌شود.	تبلور اندیشه‌های نوین حقوق کیفری و جرم‌شناسی
رویکرد قانونگذار به مجازات‌های تعزیری کم‌اهمیت، رویکرد کیفرزدایی و حبس‌زدایی است.	
آموزه‌های حقوق بشری در قلمرو تعزیرات به رسمیت شناخته می‌شود.	

۳.۲. تبیین مجازات‌های تعزیری

در مرحله تبیین مجازات‌های تعزیری، سویه‌های مناقشه‌آمیز گفتمان‌های موجود در تحولات مجازات‌های تعزیری برای کشف ناگفته‌ها و فرامتن‌های مؤثر گفتمان تبیین می‌شود. براین اساس، «مرجع تعیین تعزیر»، «کمّیت تعزیر» و «کیفیت تعزیر» در زمره مهم‌ترین مسائلی هستند که در مرحله تبیین مجازات‌های تعزیری بررسی می‌شوند.

۲.۳.۱. مرجع تعیین تعزیر

مسئله مهم و مناقشه‌آمیز در خصوص تعیین مجازات‌های تعزیری آن است که آیا تعیین مجازات تعزیری به نظر قاضی بستگی دارد یا باید توسط دستگاه قانونگذاری کشور تعیین شود؟ منشأ تفاوت در گفتن‌های موجود، ریشه در تفاسیر متفاوت از عبارت «التعزیر بما یراه الحاکم أو بما یراه القاضی» دارد. دسته‌ای از فقها بر این باورند که تعیین مجازات تعزیری به نظر قاضی رسیدگی‌کننده بستگی دارد. این گروه، با استناد به عبارت «التعزیر بما یراه القاضی أو یراه الحاکم» بر این نظر هستند که منظور از قاضی و حاکم، همان قاضی صادرکننده حکم است. در نتیجه، تعیین مجازات تعزیری، تنها برعهده قاضی رسیدگی‌کننده است.^{۲۳} علاوه بر آن، باتوجه به فلسفه تشریع تعزیر، قاضی باید از این اختیار برخوردار باشد تا تناسب میان جرم و مجازات را رعایت کند. به همین دلیل، قاضی برای هر جرم مقدار خاصی از مجازات را تعیین می‌کند.^{۲۴} حامیان فقه سنتی در این حوزه بر این باورند که چون قاضی صادرکننده حکم با بزه‌کار و بزه‌دیده مواجه می‌شود و آثار و نتایج جرم را به وضوح مشاهده می‌کند، لذا تنها او می‌تواند میزان و نوع مجازات تعزیری را تعیین کند.^{۲۵} دلیل دیگر این دسته از فقها، به رابطه خصمانه حکومت‌های وقت با علمای شیعه بر می‌گردد؛ زیرا برخی احکام تعزیرات حکومتی مولود فقه عامه، در خدمت اصحاب قدرت بود و در نتیجه، اعطای اختیار به دستگاه حاکم برای تعیین تعزیرات، نقش مهمی در تحکیم پایه‌های حکومت ضد شیعی داشت.^{۲۶} به همین دلیل، فقهای سنتی، منظور از کلمه حاکم در عبارت «التعزیر بما یراه الحاکم» را شخص «قاضی» و نه شخص «والی» و «سلطان» می‌دانستند. در همین راستا، آیت‌الله صافی گلپایگانی، دبیر وقت شورای نگهبان و از قائلان به فقه سنتی، در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۶۴/۰۹/۲۱ به امام خمینی درباره نظرات متفاوت حول عبارت «التعزیر بما یراه الحاکم» می‌نویسد: «... فقهای شورای نگهبان نیز در حال حاضر اتفاق نظر دارند بر اینکه تعزیرات نوعاً و مقدراً در اختیار قاضی است و القای نظر حاکم و الزام قاضی بر نوع یا مقدار معین، غیر شرعی و گاه، موجب تعطیل تعزیر و گاه، موجب ظلم بر تعزیر می‌شود. بدیهی است اگر بنا باشد اضطراراً و ضرورتاً غیر فقیه، متصدی امر قضا و اجرای حدود و تعزیرات شود، حتی اگر نوبت به عدول المؤمنین برسد، دستور العمل همین است... و اگر قبول کنیم که تعزیر باید اجرا شود، تعیین دستور دیگری برای آن حجت شرعی ندارد.»^{۲۷} براین اساس، مشخص می‌شود که حامیان

۲۳. سلیمی، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، ۸۰.

۲۴. مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۲۱۵/۱۰.

۲۵. جریده اصل، تبیین فقهی-حقوقی تعزیرات منصوص شرعی، ۴۵.

۲۶. گلپایگانی، الدر المنضود، ۱۵۵/۱.

۲۷. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۴۵.

فقه سنتی بر این باورند که میزان و نوع تعزیر را قاضی تعیین می‌کند و القای هر نظری مبنی بر تعیین و میزان تعزیر در قالب‌هایی چون قانونگذاری، عمل حرام است.

در مقابل، قائلان فقه حکومتی بر این نظر هستند که تعیین مجازات تعزیری باید توسط دستگاه قانونگذاری صورت گیرد؛ زیرا حفظ مصلحت نظام و جلوگیری از صدور احکام بی‌رویه و متفاوت، اقتضای آن را دارد که ضوابطی برای تعیین انواع مجازات و میزان حداقل و حداکثر آن ارائه شود.^{۲۸} این گروه با استناد به «التعزیر موكول الى الامام» معتقدند که این عبارت دارای چنان اطلاقی است که سبب می‌شود حکومت اسلامی حسب مورد و بنا بر صلاحدید، انواع مجازات‌های تعزیری و میزان آن را متناسب با جرایم ارتكابی در جامعه اسلامی وضع کند و اگر تشخیص دهد که اجرای مجازات دارای مصلحت نیست، از اجرای آن خودداری کند.^{۲۹} قائلان به فقه حکومتی، اقامه تعزیرات را نیز همچون اقامه حدود برعهده امام مسلمانان می‌دانند.^{۳۰} این گروه، ضمن رد استدلال حامیان فقه سنتی بر این نظر هستند که در هیچ‌یک از متون روایی، عبارت «الی الامام» به معنای قاضی محکمه مطرح نشده است.^{۳۱} همچنین، عبارت «بما يراه الحاكم» به هیچ‌عنوان در متون احادیث مشاهده نمی‌شود؛ بلکه در تمام احادیث موجود درباره تعزیرات، عبارات «الی الامام»، «علی ما يراه سلطان الاسلام» یا «الی الوالی» بیان شده است.^{۳۲} برای مثال، در صحیح حماد، هنگامی که از مقدار تعزیر یا تازیانه سؤال می‌شود، این‌گونه پاسخ داده می‌شود که: «... علي قدر ما يراه الوالي من ذنب الرجل و قوة بدنه.»^{۳۳} امام باقر(ع) هم درباره کیفر کسی که شهادت دروغ داده است، می‌فرمایند: «يجلد شاهد الزور جلدًا ليس له وقت (توقيت) و ذلك الي الامام و يطاف به حتي يعرفه الناس»؛^{۳۴} یعنی میزان تعزیر شاهد دروغ‌گو، براساس رأی امام است. شیخ مفید ذیل باب «حد قذف»، درباره تعزیر توهین که موجب حد قذف نیست ولی موجب آزار و اذیت فرد مسلمانی می‌شود، این تعبیر را به کار می‌برد: «و كل شيء يؤذي المسلمين من الكلام دون القذف بالزنا و اللواط، ففيه أدب و تعزير علي ما يراه سلطان الاسلام»؛^{۳۵} در این مورد، شیخ مفید تعیین میزان تعزیر را برعهده «حاكم» یا «سلطان الاسلام» گذاشته است.

۲۸. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۲۰.

۲۹. طوسی، الخلاف، ۶۹/۵.

۳۰. مفید، المقنعة، ۸۱۰؛ حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۸۸/۲۸.

۳۱. محقق داماد، قواعد فقه، ۲۳۲/۴.

۳۲. محقق داماد، قواعد فقه، ۲۳۲/۴.

۳۳. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۵۸۴.

۳۴. نوری، مستدرک الوسائل، ۱۹۵.

۳۵. مفید، المقنعة، ۷۹۵.

در فرایند تصویب تعزیرات در نظام کیفری ایران، حامیان فقه سنتی و فقه حکومتی در شورای نگهبان حضور داشتند. به همین دلیل، مجلس شورای اسلامی ناگزیر شد برای جلب رضایت فقهای قائل به فقه سنتی، راهکاری پیش‌بینی کند؛ بدین معنا که، مجلس شورای اسلامی رفتارهای مجرمانه موجب تعزیر را شناسایی و ضمن تعیین مجازات، تصریح کند که قاضی محصور به مجازات‌های موجود در متن قانون نیست و می‌تواند مجازات دیگری را نیز انتخاب کند.^{۳۶} این امر که به‌وضوح در تعارض با اصل قانونمندی مجازات است، به‌صراحت در برخی قوانین متبلور شد. برای مثال، براساس ماده ۸۳ قانون انتخابات، مجازات‌های جرایم انتخاباتی، به انواع مذکور منحصر نیست و قاضی در هر مورد می‌تواند متخلف را به هر مجازات متناسب دیگر که در قانون تعزیرات آمده است، محکوم کند. همچنین ماده ۲ «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند» اشعار دارد «... دادگاه باتوجه‌به شرایط و حالات مجرم، دفعات و زمان و مکان وقوع جرم و دیگر مقتضیات، مجرم را به یکی از مجازات‌ها محکوم می‌نماید.» ماده ۱۸ «آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت» نیز اعمال مجازات‌های شرعی را برای فعل‌ها و ترک فعل‌هایی که طبق احکام فقهی مجازات‌شدنی است، پذیرفته و به قاضی دادگاه اختیار داده تا در این حالت، براساس نظر خود هر مجازاتی را انتخاب کند.

۲.۳.۲. کمیّت تعزیر

گروه کثیری از فقهای امامیه در خصوص کمیّت تعزیر بر این باورند که تعزیر، عقوبت غیرمقدری است که تعیین میزان آن به صلاح‌دید حاکم واگذار شده است.^{۳۷} ازاین‌رو، حاکم شرع حق دارد مجرم را در خصوص جرمی که به حد شرعی نرسیده، براساس نظر خود تعزیر کند.^{۳۸} برخی دیگر از فقیهان بر این باورند که تعزیر باید از کمترین حدود، که چهل تازیانه است، کمتر نباشد.^{۳۹} در منابع روایی و فقهی برای جرم و گناه واحد، عقوبت‌های مختلفی تعیین شده است. این امر دلیلی است بر اینکه نخست، تعیین میزان مجازات تعزیری در اختیار حاکم اسلامی است و دوم، اصل بر غیرمقدربودن میزان مجازات تعزیری است. برای مثال، در خصوص نزدیکی با حیوانات در بعضی از روایات، عقوبت قتل و در روایت دیگر، عقوبت کمتر از حدّ و تبعید^{۴۰} و درنهایت، در روایت سوم بیست و پنج ضربه شلاق تعیین شده است.^{۴۱} براساس

۳۶. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۲۹.

۳۷. گلپایگانی، الدر المنضود، ۲۰/۱.

۳۸. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۴۱/۴۸۸.

۳۹. خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ۱/۴۳۸.

۴۰. «علیه ان یجلد حداً غیر الحدّ ثم ینفی من بلاده الی غیرها» (حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۲۱/۵۷).

قاعده‌ای مهم در خصوص کمیت تعزیرات، میزان مجازات جرایمی که برحسب شرایط خاص در جامعه اسلامی شکل می‌گیرند، تعیین نشده است؛ علت این امر آن است که اسلام با وسعت نظری که در تعیین عقوبت‌ها و انتظامات دارد، تنها به تعیین ضوابط کلی پرداخته و تعیین فروع را به فقها واگذار کرده است. باین حال، اگر اعمال و افعالی برحسب شرایط زمانی و مکانی خاص ازسوی حکومت اسلامی ممنوع اعلام شود و برای آن‌ها مجازات تعزیری در نظر گرفته شود، کمیت تعزیر ازسوی حکومت معلوم و معین می‌شود.^{۴۳} برای مثال، از امام علی(ع) درباره شخصی که دیگری را با عبارات «خبیث» و «فاسق» مورد آزار و اذیت قرار می‌داد، فرمود: «تعزیر چنین مجرمی اندازه مشخصی ندارد، بلکه بسته به نظر حاکم شرع است.»^{۴۴} قائلان به فقه سنتی بر این نظر هستند که براساس روایت «خداوند متعال برای هر چیزی حدی قرار داده است، لذا بر کسی که به حدی از حدود الهی تجاوز کند، حد جاری می‌شود»،^{۴۵} منظور از کلمه حد، معنای لغوی آن نیست؛ بلکه منظور از واژه «حد» هر نوع واکنشی است که منجر به تنبیه و جلوگیری از اقدامات مجرمانهٔ تبهکاران می‌شود. ازاین‌رو، حد می‌تواند اعم از حدود فقهی یا تعزیرات باشد.^{۴۶}

حامیان فقه حکومتی که قائل به تعیین میزان مجازات توسط حکومت هستند بر این باورند که سپردن انتخاب مقدار و میزان مجازات به دست قضات و مشخص نکردن حدود دقیق مجازات‌ها با مسئلهٔ برقراری نظم و یکنواخت بودن اجرای عدالت منافات دارد؛ زیرا علاوه بر حالت انفعالی قضات در هنگام مواجهه با بزهکاران و جنایت‌های ارتكابی، سلیقه و نظرات آن‌ها یکسان نخواهد بود و بی‌شک، احکام هریک از قضات با دیگر قضات متفاوت خواهد بود. در نتیجه، با سپردن تعیین کمیت مجازات‌ها به قضات، عدالت یکنواخت اجرا نخواهد شد و دستگاه قضایی به جای نظم، با هرج و مرج و از هم گسیختگی روبه‌رو خواهد شد.^{۴۷} به دلیل اهمیت عدالت یکنواخت در اجرای مجازات‌های مهم است که حتی در اکثر کتاب‌های فقهی برای ارتكاب بعضی از گناهان و تعزیرات مهم، مجازات ثابت و مقدر معین شده است. برای مثال، برای نزدیکی با همسر در حال حیض، دقیقاً ۱۲/۵ ضربه شلاق و همچنین برای نزدیکی با همسر در ماه رمضان، دقیقاً ۲۵ ضربه شلاق تعیین شده است.^{۴۸}

۴۱. نجفی، یحیی‌پور، بررسی تطبیقی تعزیرات در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی، ۸۹.

۴۲. «و ضرب هو خمسة و عشرين سوطاً ربع حد الزانی» (حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۵۷/۲۱).

۴۳. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۱۷؛ معرفت، «بحثی در تعزیرات»، ۱۰۴.

۴۴. مکارم شیرازی، تعزیر و گسترهٔ آن، ۹۷.

۴۵. قال ابو عبد الله(ع): «قال رسول الله(ص): إن الله جعل لكل شيء حداً وجعل على كل من تعدى حداً من حدود الله» (کلینی، الکافی، ۱۷۴/۷).

۴۶. غلامی، «سازوکارهای اجرای قاعدهٔ التعزیر لكل عمل محرم»، ۱۸۸.

۴۷. معرفت، «بحثی در تعزیرات»، ۶۸.

۴۸. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۲۴ تا ۲۱.

باتوجه به مشخص بودن حدود و ثغور میزان تعزیرات در فقه امامیه، شورای عالی قضایی با واگذاری تعیین میزان مجازات تعزیری به قضات مخالف بود.^{۴۹} باین حال، باتوجه به حضور حامیان فقه سنتی در شورای نگهبان، برای جمع میان دو نظر، مجلس شورای اسلامی از ابتکار تعیین سقف حداقل و حداکثر کیفر و اختیار قاضی برای تعیین مجازات از میان حداقل و حداکثر مجازات استفاده کرد.^{۵۰} ازاین رو، می توان گفت که تعیین کیفر متغیر بین حداقل و حداکثر یا مخیرکردن قضات در انتخاب یک مجازات از میان چند مجازات مختلف، راه حلی بود که مجلس شورای اسلامی در دهه اول انقلاب اسلامی برای رفع اختلافات میان حامیان فقه سنتی و فقه حکومتی پیش بینی کرد.

۲.۳.۳. کیفیت تعزیر

در خصوص کیفیت تعزیر در فقه امامیه اختلاف نظر وجود دارد. گفتمان فقه سنتی، وضع کلمه تعزیر بر معنای «ضرب» را «حقیقت شرعیه»^{۵۱} می داند. براین اساس، شارع لفظ تعزیر را مانند استعمال کلمه صلاة، زکات و خمس در معنای خاص و جدید خود به کار برده است؛ زیرا اگر تعریف تعزیر، ضرب کمتر از حد (الضرب دون الحد) باشد، آن وقت ضرب، متفاوت از حبس، توبیخ و... است. همچنین عبارت «دون الحد»، تنها إشعار به عقوبت تازیانه دارد که دارای مراتب عددی است و می توان کمتر از آن را مشخص کرد.^{۵۲} این دسته از فقها بر این باورند که از لفظ تعزیر، معنای ضرب متبادر می شود. علاوه بر آن، کاربرد فراوان کلمه تعزیر در معنای «ضرب» موجب وضع تعینی^{۵۳} این کلمه در این معنا شده است.^{۵۴} حامیان فقه سنتی در این حوزه استدلال می کنند که باتوجه به استنادات قرآنی و روایی، اصل اولیه در باب لزوم رعایت احترام به اموال مسلمانان و حرمت تعدی و تجاوز به اموال، این نتیجه را در پی دارد که تعزیر مالی جایز نیست؛ زیرا بدون سبب شرعی نمی توان به مال مسلمانان تجاوز کرد. در مقابل، بسیاری از فقها تعزیر را مقید به ضرب نمی دانند. این دسته، براساس اطلاق لفظی که هدف از تعزیر را بازداشتن افراد از ارتکاب جرم می داند، ضرب را تنها یکی از مصادیق تعزیر می دانند.^{۵۵} دلیل دیگر آن است که روایات بسیار زیادی دال بر مجازات تعزیری غیربدنی وجود دارد که از آن جمله می توان

۴۹. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۴۹.

۵۰. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۵۰.

۵۱. هرگاه قانونگذار اسلام برای واژه ای معنای خاصی در نظر بگیرد که دایره آن تنگتر یا وسیع تر از معنای لغوی آن باشد، آن کلمه «حقیقت شرعیه» دارد (مکارم شیرازی، تعزیر و گستره آن، ۲۵).

۵۲. صافی گلپایگانی، التعزیر، احکامه و حدوده، ۳۰.

۵۳. وضع تعینی به وضع حاصل از کثرت استعمال لفظ در معنا اطلاق می شود (صدر، دروس فی علم الاصول، ۲۱۱).

۵۴. سلیمی، تعزیرات در نظام قضایی اسلام، ۱۰۹.

۵۵. منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۵۳۱.

به حبس تعزیری اشاره کرد. برای مثال، امام علی (ع) حکم به زندانی کردن شاهدان دروغ‌گو داده‌اند.^{۵۷۶} همچنین در روایات، تعزیرات مالی هم مشاهده می‌شوند. در خصوص تعزیر سارق میوه، پیامبر اسلام (ص) حکم به گرفتن قیمت دوبرابری ارزش میوه‌های دزدیده‌شده داده‌اند که نیمی از این مبلغ، بهای میوه‌های مسروقه و نیم دیگر، تعزیر سارق است.^{۵۷۸} صاحب‌جواهر هم بر این باور است که: «تعزیر منحصر در شلاق نیست و می‌توان آن را به هر نوع مجازات تعمیم داد. صاحب‌جواهر دو دلیل مهم را در این راستا مطرح می‌کند: نخست، روایاتی که برای تجاوز از هر قانون شرعی، مجازات را لازم می‌شمارد. دوم، روایات متعددی که در مورد مصادیق مختلف تعزیر وجود دارد گواه بر این امر است که تعزیر منحصر در شلاق نیست.»^{۶۱۶۰} همچنین علامه حلی هم با بیان اینکه: «تعزیر شامل مجازات بدنی، زندان و توبیخ می‌شود»،^{۶۳۶۲} تعزیر را منحصر در شلاق و تازیانه نمی‌دانست. دلیل مهم دیگر آن است که به دلیل عناوین ثانویه نمی‌توان تعزیر را منحصر در شلاق دانست؛ زیرا در بسیاری از مواردی که تعزیر لازم است، استفاده از مجازات‌های بدنی امکان‌پذیر نیست. در این صورت، نمی‌توان تعزیرات را تعطیل کرد؛ زیرا در این صورت، هدف بازدارندگی محقق نخواهد شد. در نتیجه، بهترین راه حل این است که از انواع دیگر تعزیر برای جلوگیری از تکرار جرم و تنبیه مرتکب بهره‌جست.^{۶۴}

از آنجاکه اقتضای اداره حکومت اسلامی تبیین مجازات‌های متناسب است، موسوی اردبیلی در خصوص مجازات جرایمی همچون قاچاق و جرایم گمرکی، از امام خمینی استفتا کرده است. متن استفتا چنین بود: «برای اداره امور کشور، قوانین خاص در مجلس تصویب می‌شود؛ مانند قانون قاچاق، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری و به طور کلی، احکام سلطانی و برای اینکه مردم به این قوانین عمل کنند، برای متخلفین مجازات‌هایی در قانون تعیین می‌کنند. آیا این مجازات‌ها از باب تعزیر شرعی است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کم و کیف بر آن‌ها بار است یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند و اگر

۵۶. «إِنَّ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا إِذَا اخَذَ شَاهِدٌ زُورَ فَنَافِئَ كَانُوا غَرِيْبًا بَعَثَ بِهِ إِلَى حَيْثُ وَان كَانُوا سَوْقِيًّا فَطُفِفَ بِهِ ثُمَّ يَحْبِسُهُ إِيَّامًا ثُمَّ يَخْلِي سَبِيلَهُ».

۵۷. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۳/۱۸.

۵۸. «فِعْزَرُ وَ يَغْرَمُ قِيَمَتَهُ مَرَّتَيْنِ».

۵۹. حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ۳۲۱/۲۳.

۶۰. «قَدْ يَسْتَفَادُ التَّعْزِيمُ مِمَّا دَلَّ عَلَى أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ حَدٌّ وَلَمْ يَتَجَاوَزِ الْحَدَّ حَدًّا. بِنَاءً عَلَى أَنَّ الْمُرَادَ مِنَ الْحَدِّ فِيهِ التَّعْزِيرُ الْفَعْلِيُّ مَضَافًا إِلَى امْكَانِ اسْتِفَادَتِهِ أَيْضًا مِنْ اسْتِقْرَاءِ النُّصُوصِ كَمَا لَا يَخْفَى عَلَى مَنْ تَدَبَّرَهَا».

۶۱. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۴۴۸/۴۱.

۶۲. «هُوَ يَكُونُ بِالضَّرْبِ وَ الْحَبْسِ وَ التَّوْبِيخِ».

۶۳. علامه حلی، تحریر الأحکام، ۴۱۱/۵.

۶۴. مکارم شیرازی، تعزیر و گستره آن، ۸۳.

موجب خلاف شرع نباشد، باید به آن‌ها عمل کرد؟» امام خمینی هم در جواب چنین پاسخ دادند: «بسمه تعالی. در احکام سلطانی، که خارج از تعزیرات شرعیه در حکم اولی است، متخلفین را به مجازات‌های بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند.»^{۶۵}

تداوم اختلاف فقهای سنتی و حکومتی و فتوای امام بالاخره منجر به آن شد تا قانونگذار عنوان جدید «مجازات بازدارنده» را در برابر «مجازات تعزیری» در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به رسمیت بشناسد. قانونگذار در این قانون، کیفرهای مجازات بازدارنده را از نوع حبس و جزای نقدی و تعطیل کردن محل کسب تعیین کرد. علت به رسمیت شناختن مجازات بازدارنده در قانون، مشروعیت بخشیدن به اقدام حکومت در به کیفر رساندن مرتکبان جرایم جدید و کم سابقه در کتب و منابع فقهی بود؛^{۶۶} زیرا برخی از فقهای شورای نگهبان با اعمال مقررات عرفی و عام حقوق کیفری در باب تعزیرات مخالف بودند. به همین دلیل، با تفکیک مجازات‌های تعزیری و بازدارنده تلاش شد تا دغدغه این دسته از فقها تأمین شود؛^{۶۷} هرچند در عمل، قانونگذار تفکیک و مرزبندی مجازات تعزیری و بازدارنده را در اعمال نهادهای نوین حقوق کیفری مدّ نظر قرار نداد؛ زیرا تخفیف مجازات در ماده ۲۲،^{۶۸} تعلیق مجازات در ماده ۲۵،^{۶۹} شرکت و معاونت در جرم در مواد ۴۲ و ۴۳ و تکرار جرم در ماده ۴۸^{۷۱} را هم برای مجازات‌های تعزیری و هم برای مجازات‌های بازدارنده به رسمیت شناخته بود. شاید به دلیل فقدان مرزبندی دقیق این دو دسته از مجازات‌ها بود که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات‌های بازدارنده حذف شد.

نتیجه‌گیری

پس از تبیین سه محور «مرجع تعیین تعزیر»، «کمیت تعزیر» و «کیفیت تعزیر» مشخص شد که گفتمان مؤثر بر تحولات مجازات‌های تعزیری در جمهوری اسلامی، گفتمان فقه حکومتی بوده است.

۶۵. مهرپور، «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، ۴۵ تا ۴۷.

۶۶. محمدی، «ماهیت مجازات تعزیری و بازدارنده: اشتراک یا افتراق»، ۱۶۴.

۶۷. سلیمانی، «تعزیرات منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی در پرتو اصل قانونمندی حقوق کیفری»، ۱۱۱.

۶۸. دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخفقه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد...».

۶۹. «در کلیه محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده حاکم می‌تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید.»

۷۰. «هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم، مستند به عمل همه آن‌ها باشد؛ خواه عمل هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آن‌ها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرائم غیرعمدی (خطای) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هریک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود.»

۷۱. «هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می‌تواند در صورت لزوم، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.»

باین‌حال، در برخی شرایط، گفتمان رقیب نیز توانسته است تا حدودی بر تحولات قانونگذاری در قلمرو تعزیرات اثرگذار باشد که از آن جمله می‌توان به هژمونی مجازات شلاق در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ اشاره کرد. باین‌حال، از زمان تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی، آموزه‌های عرفی حقوق کیفری نیز در مجازات‌های تعزیری اثرگذار بوده است. از این‌رو، در مقام پاسخ به پرسش اصلی این تحقیق باید گفت که سه گفتمان «فقه حکومتی»، «فقه سنتی» و «مدرنیسم کیفری» در شکل‌گیری تعزیرات در ایران دارای اثر بوده‌اند. باین‌حال، در اوایل انقلاب، گفتمان غالب در تحولات تعزیر، گفتمان فقه حکومتی بوده است. فقه حکومتی را نمی‌توان همچون ابواب دیگر فقه (مانند ابواب طهارت، زکات، قصاص و...)، باب جدیدی از فقه محسوب کرد؛ بلکه فقه حکومتی، نوعی روش استنباط احکام است که ناظر به تمام ابواب فقهی است. اهمیت شریعت به تحولات زندگی و نقش برجسته‌ای که هویت جمعی یک اجتماع در استنباط احکام برای اداره جامعه دارد، از مبانی مهم فقه حکومتی است.^{۷۲} در نتیجه، در متن تحولات مجازات‌های تعزیری در عصر حاکمیت نظام جمهوری اسلامی، تعدیل برخی از احکام شرعی مربوط به تعزیرات در متن قوانین، ناشی از تأثیر گفتمان فقه حکومتی بر تحولات تعزیر است. این مسئله که موجب انزوای فقه سنتی شده، ریشه در نگرش‌های حاکمیتی فقهای ایران دارد. به عبارت دقیق‌تر، پدیده انقلاب اسلامی و تلاش برای اداره جامعه اسلامی سبب شکل‌گیری چشم‌انداز خاص به مسئله تعزیر شده است. به همین دلیل، شکل‌گیری احکام سلطانی و مجازات‌های بازدارنده، از باب توجه به مسائل حاکمیتی تحلیل‌شدنی است.

باین‌حال، با گذر از دوران ابتدای انقلاب و دوری از نزاع‌های فقهی میان حامیان فقه سنتی و فقه حکومتی، مشاهده می‌شود که قانونگذار با در نظر گرفتن یافته‌های تجربی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی به دنبال ایجاد عناصر گفتمانی جدید در عرصه تعزیرات است. بر این اساس، تأسیس نهادهای جدید همچون جایگزین‌های حبس متأثر از یافته‌های تجربی مبنی بر شکست کارکرد اصلاحی زندان و آثار سوء زندان در اثر هم‌نشینی افتراقی و زندان‌پذیری، معافیت از کیفر و تعویق صدور حکم، متأثر از شکست کیفرگرایی و بازدارندگی، به رسمیت شناختن میانجی‌گری در پرتو یافته‌های عدالت ترمیمی و قضازدایی، دادرسی کیفری افتراقی اطفال در بستر مطالعات جرم‌شناسی کودکان و نوجوانان و... عناصر گفتمانی جدید هستند که در گفتمان فقه سنتی و فقه حکومتی جایگاهی ندارند. در عوض، کاربست آن‌ها در متن مجازات‌های تعزیری، بازتابی از حضور گفتمان مدرنیسم کیفری در مجازات‌های تعزیری است. انعطاف‌پذیری در مجازات‌های

۷۲. نقوی، بررسی جایگاه نهاد قانونگذاری در فقه حکومتی و نظام جمهوری اسلامی، ۲۶.

تعزیری در پرتو قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» موجب شده تا قانونگذار بدون در نظر گرفتن دغدغه‌های حامیان فقه سنتی و فقه حکومتی، نگرش‌های به‌روزشده و تجربه‌محور را در مجازات‌های تعزیری به رسمیت شناسد تا ازسویی، به نزاع میان حامیان فقه سنتی و فقه حکومتی پایان دهد و ازسوی دیگر، یافته‌های تجربی جرم‌شناسی را به‌تدریج به گفتمان غالب در این حوزه تبدیل کند.

منابع

- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد. النهاية فی غریب الحديث و الاثر. قم: اسماعیلیان. ۱۳۶۷.
- ابن‌دریس. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. ۱۴۱۱ق.
- بارکر، کریس. مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد. ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. ۱۳۸۷.
- بشیر، حسن و همکاران. خبر؛ تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان. تهران: دانشگاه امام صادق(ع). ۱۳۸۹.
- بشیر، حسن. «فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش پدما با مطالعه موردی بیداری اسلامی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. ش ۱۰۶، ۱، ۲۷، ۱۴۰۰، ۳۱ تا ۴۸. [10.30471/MSSH.2020.6398.2023](https://doi.org/10.30471/MSSH.2020.6398.2023)
- بشیر، حسن. روش عملیاتی تحلیل گفتمان. تهران: سروش. ۱۳۹۹.
- بشیر، حسن، حمیدرضا حاتمی. «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. ش ۱، ۱۳۸۸، ۹۳ تا ۱۱۴. <https://doi.org/10.22082/cr.2009.23904>
- بشیر، حسن، علی احسانی‌فر. «تحلیل گفتمان مناظره تلویزیونی در انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران (خردادماه ۱۳۸۸)»، فصلنامه رهپوی ارتباطات و فرهنگ. دوره ۱، ش ۳، ۱۴۰۱، ۱۹ تا ۲۷.
- بشیر، حسن، میلاد عرفان‌پور. «تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات. دوره ۱۹، ش ۴۱، ۱۳۹۷، ۳۰ تا ۳۱. [10.22083/JCCS.2018.87313.2159](https://doi.org/10.22083/JCCS.2018.87313.2159)
- <https://doi.org/>
- پاکتچی، احمد. نقد متن. تهران: دانشگاه امام صادق(ع). ۱۳۹۷.
- تبریزی، جواد. اسس الحدود و التعزیرات. قم: مهر. ۱۳۷۵.
- جریده اصل، سعید. تبیین فقهی-حقوقی تعزیرات منصوص شرعی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد. ۱۳۹۵.
- حر عاملی، محمدبن حسن. تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشیعة. قم: آل‌البیت(ع). ۱۱۰۴ق.
- خراسانی، رضا. «روش‌شناختی فقه سیاسی و فقه حکومتی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ. ش ۵۱، ۱۳۹۹، ۱۴۳ تا ۱۷۳. [https://doi.org/ 10.22034/JSFC.2020.103863](https://doi.org/10.22034/JSFC.2020.103863)

- خراسانی، رضا. اجتهاد و سیاست: درآمدی بر فقه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مخاطب. ۱۳۹۶.
- خویی، ابوالقاسم. مبانی تکملة المنهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی. ۱۳۸۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار العلم. ۱۴۱۲ق.
- سلیمانی، حسین. «تعزیرات منصوص شرعی در قانون مجازات اسلامی در پرتو اصل قانونمندی حقوق کیفری»، پژوهشنامه حقوق کیفری. س ۱۰، ش ۱، ۱۳۹۸، ۱۰۵ تا ۱۳۳.
- سلیمی. محمد. تعزیرات در نظام قضایی اسلام. تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری. ۱۳۹۶.
- شهید اول، محمد بن مکی. القواعد و الفوائد. قم: کتابفروشی مفید. ۱۴۰۰ق.
- صاحب‌جواهر، محمد حسن بن باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۳ق.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. التعزیر، احکامه و حدوده. قم: دفتر معظم‌له. ۱۴۰۴ق.
- صدر، محمدباقر. دروس فی علم الاصول. قم: دار الصدر. ۱۳۸۷.
- طوسی، محمد بن حسن. الخلاف فی الاحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۴۱۸ق.
- عبداللهی، یحیی. «ضرورت گفتمان فقه حکومتی»، فصلنامه فقه حکومتی. س ۱، ش ۱، ۱۳۹۵، ۱۳۹ تا ۱۴۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: مؤسسه امام صادق (ع). ۱۴۲۰ق.
- غلامی، علی. «سازوکارهای اجرای قاعده التعزیر لکل عمل محرم»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی. س ۲، ش ۴، ۱۳۹۱، ۱۷۲ تا ۲۰۴.
- فرکلاف، نورمن. تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. ۱۳۷۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. قم: دار الحدیث. ۱۳۸۹ق.
- گل‌بخشی، حسن. تحلیل گفتمان اخبار سایت‌های بی‌بی‌سی و رادیو فردا درباره بازداشت ملوانان انگلیسی. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. به‌راهنمایی عبدالله گیویان. تهران: دانشگاه صداوسیما. ۱۳۸۷.
- گلپایگانی، محمد رضا. الدر المنضود فی احکام الحدود. قم: دار القرآن الکریم. ۱۴۱۲ق.
- گودرزی، محسن. «تحلیل گفتمان انتقادی»، کتاب ماه (علوم اجتماعی). س ۱۳، ش ۲۲، ۱۳۸۸، ۷۷ تا ۸۱.
- محقق داماد، مصطفی. قواعد فقه (بخش جزایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی. ۱۳۷۹.
- محمدی قهفرخی، محمد صادق. تحلیل گفتمان کیفر پس از انقلاب مشروطه. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. به‌راهنمایی علی صابری تولایی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۹۹.
- محمدی، حمید. «ماهیت مجازات تعزیری و بازدارنده؛ اشتراک یا افتراق»، مجله عدالت آرا. س ۲، ش ۶ و ۷، ۱۳۸۵، ۱۵۴ تا ۱۸۳.
- معرفت، محمد هادی. «بحثی در تعزیرات»، مجله حق (مطالعات حقوقی و قضایی). س ۵، ش ۱۰، ۱۳۶۵.

۱۱۸ تا ۹۷.

مفید، محمد بن محمد. المقنعة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. ۱۴۱۰ ق.

مکارم شیرازی، ناصر. پیام قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۴.

مکارم شیرازی، ناصر. تعزیر و گستره آن. به کوشش ابوالقاسم علیان نژادی. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۳۸۳.

منتظری، حسینعلی. مبانی فقهی حکومت اسلامی. تهران: کیهان. ۱۴۰۹ ق.

موسوی اردبیلی، عبدالکریم. فقه الحدود و التعزیرات. قم: دانشگاه مفید. ۱۴۲۷ ق.

موسوی بجنوردی، محمد. قواعد فقهیه. تهران: عروج. ۱۴۰۱ ق.

مهرپور، حسین. «سرگذشت تعزیرات (نگرشی بر سیر قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران)»، مجله کانون وکلا. ش ۱۴۸ و ۱۴۹، ۱۳۶۸، ۶۸ تا ۹۶.

نجفی، راضیه، محدثه یحیی پور. بررسی تطبیقی تعزیرات در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی. تهران: جاودانه. ۱۳۹۷.

نقوی، فاطمه سادات. بررسی جایگاه نهاد قانونگذاری در فقه حکومتی و نظام جمهوری اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی علیرضا دبیرنیا. قم: دانشگاه قم. ۱۳۹۵.

نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل. قم: آل البیت (ع). ۱۴۰۸ ق.

هوارث، دیوید. «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی. ترجمه علی اصغر سلطانی. دوره ۱، ش ۲، ۱۳۷۷، ۱۵۶ تا ۱۸۳.

Transliterated Bibliography

'Abd Allāhī, Yahyā. "Zarurat Guftimān Fiqh Hukumatī", *Faṣḥnāmah-yi Fiqh Hukumatī*. Yr. 1, no. 1, 2017/1395, 139-143.

'Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. *Taḥrīr al-Aḥkām al-Shar'iyah 'alā Mazhab al-Imāmiya*. Qum: Mu'assisah-yi Imām Ṣādiq(AS). 1999/1420.

Barker, Chris. *Muṭālī'āt Farhangī, Nazariyih va 'Amalkard*. Translated by Mahdī Farajī va Nafisah Ḥamidī. Tehran: Pazhūhishkadih-yi Muṭālī'āt Farhangī va Ijtimā'ī. 2009/1387.

Bashīr, Ḥasan et al. *Khabar; Taḥlīl-i Shabakih-i va Taḥlīl-i Guftimān*. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. 2011/1389.

Bashīr, Ḥasan, Ḥamid Riḍā Ḥatāmī. "Muṭālī'ih-yi Muqāyisih-ī Rūykard-hā-yi Intikhābātī: Taḥlīl Sar Maqālīh-hā-yi Jumhūrī Islāmī va Kiyhān Darbārīh-yi Duvvumīn Marḥalah-yi Intikhābāt Majlis Hashtum",

Faṣḥnāmah-yi Pazhūhish-hā-yi Irtibāṭī. no. 1, 2010/1388, 93-114.

Bashīr, Ḥasan. "Farāyand Sākht Ma' nā dar Taḥlīl-i Guftimān bā Ravish "PDAM" bā Muṭālī'ih-yi Mūrīdī Bīdārī Islāmī", *Faṣḥnāmah-yi Ravishshināsī 'Ulūm Insānī*. no. 106, yr. 27, 2022/1400, 31-48.

Bashīr, Ḥasan. 'Alī Ḥsānīfar. "Taḥlīl-i Guftimān Munāzirah-yi Tilivīziyūnī dar Intikhābāt Dahum Riyāsāt Jumhūrī Islāmī Irān (Khurdād 2010/1388)", *Faṣḥnāmah -yi Rahpūyih-yi Irtibāṭāt va Farhang*. Durīh-yi 1, no. 103, 2023/1401, 7-19.

Bashīr, Ḥasan. Milād, 'Irfānpūr. "Taḥlīl-i Guftimānī Intiqād Ijtimā'ī dar Shī'r Shā'irān Inqilāb Islāmī", *Faṣḥnāmah-yi Muṭālī'āt Farhang va Irtibāṭāt*. Durīh-yi 19, no. 41, 2019/1397, 1-30.

Bashīr, Ḥasan. *Ravish 'Amaliyātī Taḥlīl-i Guftimān*. Tehran: Surūsh. 2021/1399.

Fairclough, Norman. *Taḥlīl-i Intiqādī Guftimān*. Translated by Pīrān et al. Tehran: Markaz Muṭālī'āt va Taḥqīqāt Risānih-hā, 2001/1379.

Ghulāmī, 'Alī. "Sāzu Kār-hā-yi Ijrāy Qā'idih-yi al-Ta'zīr li-Kul-i 'Amal Muḥaram", *Majalīh-yi Fiqh va Ḥuqūq Islāmī*. yr. 2, no. 4, 2012/1391, 172-204.

Gūdārzī, Muḥsin. "Taḥlīl-i Guftimān Intiqādī", *Kitāb Māh ('Ulūm Ijtimā'ī)*, yr. 13, no. 22, 2010/1388, 77-81.

Gulbakhshī. Ḥasan. *Taḥlīl-i Guftimān Akhbār Sāyt-hā-yi BBC va Radio Farda Darbārīh-yi Bāzdāshāt Malavānān Ingilīsī*. Master Thesis, Supervisor: 'Abd Allāh Guivian, Tehran: IRIB University. 2009/1387.

Gulpāyghānī, Muḥammad Riḍā. *al-Durr al-Manqūd fī Ahkām al-Ḥudūd*. Qum: Dār al-Qurān al-Karīm. 1992/1412.

Howarth, David. "Naẓariyih-yi Guftimān", *Faṣḥnāmah -yi 'Ulūm Siyāsī*. Translated by 'Alī Aṣghar Sulṭānī. Durīh-yi 1, no. 2, 1998/1377, 156-183.

Ḥurr 'Āmīlī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'a*. Qum: Āl al-Bayt(AS). 1984/1404.

Ibn Athīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Nihāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qum: Ismā'īliyān, 1989/1367.

Ibn Idrīs. *al-Sarā'ir al-Ḥawī li-Taḥrīr al-Fatāwī*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, 1991/1411.

Jarīdah Aṣl, Sa'īd. *Tabyīn Fiqhī-Ḥuqūqī Ta'zīrāt Manṣūṣ Shar'ī*. Tehran: Majma' 'Ilmī va Farhangī Majd. 2017/1395.

Khū'ī, Abū al-Qāsim. *Mabānī Takmilat al-Minhāj*. Qum: Mū'assisa Āṣār-i Imām Khū'ī, 2008/1386.

Khurāsānī, Riḍā. "Ravishshinākhtī Fiqh Siyāsī va Fiqh Hukumatī", *Faṣlnāmah -yi Rāhburd Farhang*. No. 51, 2021/1399, 143-173.

Khurāsānī, Riḍā. *Ijtihād va Siyāsāt: Darāmadī bar Fiqh Hukumatī dar Jumhūrī Islāmī Irān*. Tehran: Mukhātab. 2018/1396.

Kulīnī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfi*. Qum: Dār al-Ḥadīth. 1970/1389.

Makārim Shirāzī, Naṣir. *Payām Qurān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1996/1374.

Makārim Shirāzī, Naṣir. *Ta'zīr va Gustariḥ ān*. researched by Abū al-Qāsim 'Uliyānnizhād. Qum: Madrisah-yi Imām 'Alī ibn Abī Ṭālib (AS). 2005/1383.

Ma'rifat, Muḥammad Hādī. "Baḥthī dar Ta'zīrāt", *Majallih-yi Haq (Muṭālī'āt Huqūqī va Qaḍāyī)*. Yr. 5, no. 10, 1987/1365, 97-118.

Mihrpūr, Husayn. "Sarguzasht Ta'zīrāt (Nagarishī bar Siyr Qānūnguzārī dar Jumhūrī Islāmī Irān)", *Majallih-yi Kānūn Vukalā*. No. 148-149, 1990/1368, 9-68.

Mufid, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Muqni'a*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1990/1410.

Muḥammadī Qahfirukhī, Muḥammad Ṣādiq. *Taḥlīl-i Guftimān Kiyfār pas az Inqilāb Mashrūṭah*. Master Thesis, Supervisor : 'Alī Ṣābirī Tavalāyī. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. 2021/1399.

Muḥammadī, Ḥamid. "Māhiyat Mujāzāt Ta'zīrī va Bāzdārāndih; Ishtirāk yā Iftirāq", *Majallih-yi 'Idālat Arā*. Yr. 2, no. 6-7, 2007/1385, 154-183.

Muḥaqqiq Dāmād, Muṣṭafā. *Qawā'id Fiqh (Bakhsh-i Jazā'ī)*. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulum Islāmī. 2000/1379.

Muntazirī, Husayn 'Alī. *Mabānī Fiqhī Hukumat Islāmī*. Tehran: Kiyhān. 1989/1409.

Mūsawī Ardabīlī, 'Abd Karīm. *Fiqh al-Hudūd wa al-Ta'zīrāt*. Qum: Useful university. 2006/1427.

Musawī Bujnūrdī, Muḥammad. *Qawā'id Fiqhiyah*. Tehran: 'Urūj. 1981/1401.

Najafī, Rāziyih, Muḥaddithih Yaḥyāpūr. *Barrisī Taṭbīqī Ta'zīrāt dar Fiqh Imāmīyah va Qānūn Mujāzāt Islāmī*. Tehran: Jāvidānah. 2019/1397.

Naqavī, Faṭimah Sādāt. *Barrisī Jāygāh-i Nahād Qānūnguzārī dar Fiqh Hukumatī va Nizām Jumhūrī Islāmī*. Master Thesis, Supervisor: 'Alī Rizā Dabīrniyā, Qum: University of Qom. 2017/1395.

Nūrī, Husayn ibn Muḥammad Taqī. *Mustadrak al-Wasā'il*. Qum: Āl al-Bayt(AS) . 1988/1408.

Pākatchī, Aḥmad. *Naqd-i Matn*. Tehran: Imam Sadiq(AS) University. 2019/1397.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *Mufradāt al-Alfāz al-Qurān*. Beirut: Dār al-‘Ilm. 1992/1412.

Ṣadr, Muḥammad Bāqir. *Durūs fi ‘Ilm al-Uṣūl*. Qum: Dār Ṣadr, 2009/1387.

Ṣafī Gulpāygānī, Luṭf Allāh. *al-Ta’zīr: Ahkāmuhu wa Hudūduhu*. Qum: Daftar Mu’zamlah. 1984/1404.

Ṣāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fi Sharḥ Sharāy’ al-Islām*. Beirut: Dār Ihya’ al-Tūrāth al-‘Arabī. 1983/1403.

Salīmī, Muḥammad. *Ta’zīrāt dar Nizām Qaḍāyī Islām*. Tehran: University of Judicial Sciences and Administrative Services. 2018/1396.

Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī. *al-Qawā’id wa al-Fawā’id*. Qum: Kitābfurūshī Mufid. 1980/1400.

Sulaymānī, Ḥusayn. “Ta’zīrāt Manṣūṣ Shar’ī dar Qānūn-i Mujāzāt-i Islāmī dar Partū Aṣl Qānūnmandī Ḥuqūq-i Kayfārī”, *Pazhūhishnāmāh-yi Huqūq-i Kayfārī*, yr. 10, no. 1, 2020/1398, 105-133.

Tabrizī, Javād. *Ususu al-Hudūd wa al-Ta’zīrāt*. Qum: Mihr. 1997/1375.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Khilāf fi al-Ahkām* Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1997/1418.

